WWW.QUDSONLINE.IR
قدس روزنامه صبح ایران

دیدار ۵

۱۲۰ دقیقه گفت و گوی اختصاصی قدس با مردی که اگر هنرمند نمی‌شد، دیوانه می‌شد

حمیدرضا آذرنگ: نزدیک بود اعدامم کنند!

احمد محمد اسماعیلی

پیش گفتار: حمیدرضا آذرنگ از جمله بازیگران صاحب سبک و مولف سینما، تئاتر و تلویزیون است و مخاطبان سینما شاهد نقش آفرینی متفاوتش در نقش یک رزمنده به ته خط رسیده و عصیانگر در فیلم تحسین شده «ملکه» بودند. چندسال قبل هم آذرنگ در مجموعه یلدا ویژه ایام محرم در قالب یک شخصیت خاکستری بازی قابل قبولی ارایه کرد و سپس با حضور در مجموعه شاهگوش با داود میرباقری بازی مطلوب دیگری از خود به نمایش گذاشت.

حمیدرضا آذرنگ بیش از دو دهه است در تئاتر فعالیت می کند و نقشهای ماندگاری هم در این عرصه خلق کرده است. آخرین این هنرنمایی ها مربوط به نقش بیلی لومان در نمایش مرگ دستفروش آرتور میلر است. او تاکنون برنده پنج جایزه از جشنواره تئاتر فجر در زمینه‌های نویسندگی و بازیگری شده است. از جمله برای نمایشهای دو لیتر در دو لیتر صلح و خنکای ختم خاطره. او همچنین جایزه‌های دیگری در سایر جشنواره‌های داخلی و خارجی تئاتری و سینمایی نیز به دست آورده است. آذرنگ عضو هیأت مدیره انجمن بازیگران خانه تئاتر است و دو جایزه تئاتر فجر برای بازیگری (در نمایشهای خون رقصه ۱۳۹۰ و چهار حکایت از چندین حکایت رحمان ۱۳۸۳)، سه جایزه از تئاتر فجر برای بهترین نویسندگی (برای نگارش نمایشنامه‌های «خنکای ختم خاطره» ۱۳۸۸، «دو لیتر در دو لیتر صلح» ۱۳۹۰ و «خیال روی خطوط موازی» ۱۳۸۵) و لوح تقدیر را برای نگارش نمایشنامه «ترن» در سال ۱۳۹۱ از همین جشنواره دریافت کرده است. حضور آذرنگ در فیلم «آسمان زرد کم عمق» در یک نقش خاکستری نشان داد او در پرده نقره‌ای هم بی همتا عمل می کند. آذرنگ در نقش نعمت نقش اصلی سریال جاده قدیم و بازی در نقش یک روستایی به شهر آمده که درگیر مشکلات ریز و درشت و گاه خنده دار می‌شود، بخشی دیگر از توانایی‌هایش را نشان می‌دهد. با او درباره حضورش در جاده قدیم و کارهای قبلی و وضعیت تئاتر گفت و گویی انجام داده‌ایم.

*** آیا حمیدرضا آذرنگ خودش را یک بازیگر مؤلف می‌داند؟**

- به نگره مؤلف در بازیگری و نوشتن اعتقاد دارم. کار هنری انجام دادن ردپایی است که از یک هنرمند باقی می‌ماند و رسالت ما از به دنیا آمدن همین است که در جهان هستی نقطه اثری از خودمان بر جا بگذاریم و عبور کنیم. مؤلف بودن یکی از رموز ماندگاری یک هنرمند است.

*** عده‌ای اعتقاد دارند یک هنرمند موقعی در کارش موفق است که شخصیت دوگانه ای داشته باشد و آدم مونوتون و تختی نباشد، چقدر به این دیدگاه اعتقاد دارید؟**

- نمی‌دانم خوشبختانه و یا بدبختانه در وادی هنر کار کردن چنین شرایطی را به وجود می‌آورد. بازهم نمی‌دانم آدمهایی که چنین ویژگی‌هایی دارند، به سمت هنر می‌روند و یا هنر چنین شرایطی را برای آدم فراهم می کند. برخی روی این دوگانگی شخصیتی‌شان سرپوش می گذارند. عده‌ای هم از این دوگانگی شخصیتی‌شان برای بهتر شدن کارشان استفاده می‌کنند.

*** یک هنرمند در زمان خلق اثر چقدر باید در پیله تنهایی فرو برود؟**

- اگر چند باری در مصاحبه هایم گفته ام علاقه دارم در زمان خلق اثر و نوشتن تنها باشم، منظورم این است که دوست دارم در خلوت با آدمهایی که خلق می کنم، تنها باشم تا بتوانم آنها را درک کنم.

*** حضور پر رنگ یکی، دو ساله اخیر شما در تلویزیون و سینما سبب نشده از زندگی عادی که در گذشته داشتید، فاصله بگیرید؟**

- به هر حال تأثیراتی داشته است. بازیگری یکی از سخت ترین حرفه‌های دنیاست که به دلیل شرایط کاری نمی‌توانید برای زندگی خود برنامه ریزی بلند مدتی داشته باشید؛ زیرا ممکن است برای بازی در فیلمی به نقطه دور افتاده ای بروید.

*** خیلی از بازیگران ستاره سینما خودشان را ایزوله و محدود کرده اند؟**

- به آنها هم حق می‌دهم. حضورشان در کوچه و خیابان سختی هایی دارد. توجه بیش از حد مردم و توضیح مکرر دادن به آنها برخی از مواقع آزار دهنده می‌شود.

*** زیاد به شهرت علاقه ندارید؟**

- نه، برایم جذابیت ندارد. ممکن بود ۱۰ سال پیش به شهرت فکر می‌کردم، اما اکنون ایفای نقشهای متفاوت برایم جذاب است

*** در دندون طلا دوباره با میر باقری همکاری کردید و دو سال قبل در سریال شاهگوش این همکاری شروع شد. آیا برای ایفای نقش سرگرد سرخی در سریال شاهگوش به سراغ مشابه‌های خارجی مثل پیتر سلرز در مجموعه فیلمهای کارآگاه کلزو رفتید؟**

- میر باقری کارگردان خلاق و متفکری است و همکاری با او لذت بخش است. در مورد الگوبرداری باید بگویم خودم را هیچ گاه فراموش نمی کنم. اگر قرار باشد از آدم دیگری کپی‌برداری کنم، دیگر به من بازیگر نمی گویند. خب همان بازیگر وجود دارد و مشغول ایفای نقش است و نیازی به کپی برداری دیگران از نوع و شیوه بازیش ندارد. هرگز در دوران کاری‌ام به سراغ چنین رویکردی نرفتم. من حمیدرضا آذرنگم و پیتر سلرز هم خودش. اگر جاهایی در شیوه بازیم مشابهتی دیده می‌شود عمدی و با برنامه ریزی قبلی نبوده است.

*** آیا برای ایفای نقش یک پلیس در مجموعه ای که ویژگی های طنز دارد، با چالشهایی مواجه نبودید؟**

- به هر حال حساسیت و چالشهایی وجود دارد. یک سری از احتیاط ها و وحشت ها درباره برخی از مسایل وجود دارد که باید از آنها عبور کنیم. در هر حرفه و شغلی آدمهای شریف وجود دارند و آدمهای دیگری هم دارند که در درونشان ناخالصی و غل و غش وجود دارد. در سریال شاهگوش هم تمام ابعاد و زوایای شخصیتی کاراکترها نشان داده شده است. معتقدم باید ارگانهای دولتی از سختگیری هایشان کم کنند و با انعطاف و سعه صدر اجازه بدهند مسایل مختلف هر شغل و حرفه در قالب فیلم و یا سریال برای مخاطبان عرصه شود. درباره حساسیت درباره شخصیتهای پلیس مجموعه شاهگوش چون پرداختن به این موضوعات در حوزه کاری‌ام قرار ندارد، به دنبال کنکاش در این قضیه نبودم و این قضیه مربوط به حوزه کاری تهیه کننده و کارگردان است و من فقط به بازی‌ام پرداختم.

*** جزو بازیگرانی هستید که نقشی را که قرار است بازی کنید؛ هویت و شخصیت می‌بخشید و به اصطلاح آن را رنگ آمیزی می کنید. درباره ایفای شخصیت سرگرد سرخی در بحث لهجه ونوع گویش چقدر ورود پیدا کردید؟**

- بازیگری هستم که در بازی‌ام یک سری ویژگی را به نقش اضافه می کنم و این ویژگی ها به جنس و شخصیت خودم نزدیک است. به عبارتی شامل تعریفی از وجود من می‌شود. هر کسی براحتی با پوشیدن لباس نظامی و قرار گرفتن در لوکیشن کلانتری می‌تواند بیاید و دیالوگهای نقشش را بگوید و خیلی از مخاطبان، بازیگر را در این شیوه باور می کنند و عده دیگر با این شیوه ارتباطی برقرار نمی کنند. نکته مهم تأثیر گذاری بازیگر برنقشش است. تمام تلاشم بر این مسأله متمرکز است که نسبت به نقشی که قرار است بازی کنم، منفعل عمل نکنم. اگر من بازیگر به شیوه منفعلی به شخصیتی که قرار است بازی کنم نزدیک شوم، به این شخصیت ظلم کرده ام.

*** در بحث استفاده از لهجه کرمانشاهی برای گویش سرگرد خیلی با ظرافت و دقت عمل کردید؟**

- به جریان داشتن زندگی واقعی در نقش آفرینی اعتقاد دارم. اگر این زندگی درنقش جریان داشته باشد، مخاطب نقش را باور می کند. پس از سالها آنقدر تجربه به دست آورده ام که به میزان لازم از لهجه در بازی‌ام استفاده کنم.

*** به چه دلیل از لهجه کرمانشاهی برای ایفای شخصیت سرگرد استفاده کردید؟**

- در اولین برخورد با شخصیت سرگرد با توجه به شخصیتی که از او تعریف شده بود، احساس کردم استفاده از لهجه کرمانشاهی مناسب شخصیتش است.

*** آیا به لهجه کرمانشاهی تسلط داشتید؟**

- نه، تسلطی نداشتم. با لهجه مواجه می‌شوم و به خودم می گویم باید این لهجه را یاد بگیرم.

*** آیا استفاده داود میرباقری از لهجه‌های مختلف در مورد شخصیتهایی که در کلانتری حضور داشتند، به این دلیل بود که کلانتری را نمادی از کل ایران نشان بدهد؟**

- نه، داود میر باقری به ارایه چنین مفاهیمی در فیلمش نپرداخته بود. البته شاید در فیلمنامه اشاره ای به لهجه داشتن برخی از شخصیتها شده بود، اما درباره سرگرد لهجه‌ای وجود نداشت و من خودم داشتن لهجه را پیشنهاد دادم و میرباقری هم پذیرفت.

*** در وجود سرگرد سرخی، حسادت و رقابت برای رئیس کلانتری شدن دیده می‌شود، آیا وجود این ویژگی سبب خاکستری شدن شخصیت سرگرد می‌شد؟**

- در محک قضاوت، آدمها یا سیاه هستند و یا سفید. قضاوت کردن اجازه نمی‌دهد آدمها را خاکستری ببینیم. در حالی که مجموعه‌هایی از ویژگی‌های نیکو و غیر پسندیده در وجود همه ما هست و به لحاظ فرهنگی این ویژگی ها در آدمها متفاوت به نظر می‌رسد.

*** حضور فرهاد اصلانی بازیگر نقش مقابل شما چقدر در بهتر شدن کیفیت بازی شما نقش داشت؟**

- یک فیلم و یا مجموعه خوب محصول در کنار هم قرار گرفتن عوامل حرفه ای و درجه یک است. اگر قرار باشد در فیلمی فقط یک بازیگر خودنمایی کند و یا فقط فیلمنامه در ساختار کار جلوه نمایی کند و یا... حتم بدانید با فیلم و یا مجموعه‌ای ناقص روبه رو خواهید شد. در مجموعه شاهگوش خوشبختانه در تمام بخشها هماهنگی و یکدستی دیده می‌شد.

*** در فیلم آسمان زرد کم عمق هم نقش متفاوت و چند لایه ای بازی کردید؟**

- بله، نقشم در این فیلم دارای ویژگی‌های خیر و شر بود؛ شری که بر خیر چیرگی داشت و عملکرد این آدم را رقم می‌زد.

*** برای ایفای نقش نعمت در سریال جاده قدیم ساخته بهرامیان چه ویژگی هایی را به نقش اضافه کردید؟**

- بهرام بهرامیان، کارگردانی است که به ناتورالیستی بازی کردن بازیگر اعتقاد دارد و حتی از رئالیسم عبور کرد و واقعیت محض را مد نظر دارد و دوست داشت در نوع بازی‌ام در نقش نعمت، ساده لوحی و صمیمیت دیده شود. البته ساده لوحی نه به معنای بدش، بلکه صداقت و صمیمیتی که در کلانشهرها متأسفانه بد تعبیر می‌شود و حتی در نوع گریم هم چنین رویکردی را مد نظر داشت که جا دارد از آقای اسکندری هم به خاطر گریم عالی‌اش تشکر کنم که با طراحی گریمش تفاوت در شخصیتها به وجود آورد. به هر حال سینما و سریال سازی یک کار گروهی است و نمی‌توانیم آن را انفرادی ببینیم و همان قدری که بازیگری در موفقیت کار مهم است، سایر بخشها مثل گریم و طراحی لباس و صحنه هم اثر گذار و مهم هستند.

*** لباسهای نعمت، رنگی و زرق و برق دار بود و نشان می‌داد که او یک روستایی است؟**

- بله، همین رنگی بودن لباسهای نعمت نشان از صداقت و جسارت است. موقعی که صداقت و جسارت توأمان می‌شود، آدم دیگر از قضاوت دیگران نمی‌ترسد. در کلانشهرها این قدر از قضاوت کردن و قضاوت شدن می‌ترسیم که خودمان را از علاقه هایمان دور می‌کنیم. شاید من دوست داشته باشم لباسهای رنگی بپوشم. منتهی آن قدر در تهران مورد قضاوت قرار می‌گیریم که از چنین کاری صرف نظر می کنم و جسارتم کمرنگ می‌شود. جسارت روستایی واقعاً ستودنی است. در روستا هر آدمی شبیه خودش است، اما در شهر این گونه نیست. آدمها شبیه خودشان نیستند.

*** لهجه در شخصیت پردازی نعمت چه نقشی را ایفا می‌کرد؟**

- گویش اقوام مختلف ایرانی خیلی لذت‌بخش و جذاب است. در تئاتر بیشتر از تصویر این مسأله را تجربه کرده ام و این امر بضاعتی است که می‌شود از آن استفاده کرد. برای من لهجه داشتن نقش، صمیمیت ایجاد می‌کند. درباره نقشم و لهجه در جاده قدیم باید عنوان کنم بعد از اتفاقات حاشیه ای که برای سریال سرزمین کهن رخ داد، در تلویزیون نسبت به لهجه، حساسیتها دو چندان شده است. از شروع کار شاید نصف ایران دور زده شد تا به لهجه مورد نظر برسیم. از قزوینی گرفته، ملایری، کرمانی و کاشانی لهجه هایی بودند که درباره استفاده اش صحبت شد که در روند ادامه کار دیدیم که برخی از این لهجه ها با قصه سنخیت نداشت. در نهایت به این جمع بندی رسیدیم که لهجه‌ای را انتخاب کنیم که حساسیت برانگیز نباشد. به اتفاق بهرام بهرامیان رفتیم لواسان و با آدمها و لهجه هایش آشنا شدیم. نکته ای که خیلی جالب است، این است که در لهجه لواسانی تکیه کلام لری، گیلکی و مازنی وجود دارد. این را خیلی رک مطرح می کنم که مخاطب متوجه شود، ما لهجه مورد نظر را درست مطرح کرده‌ایم؛ زیرا در مورد لهجه این شبهه وجود دارد که بازیگران نتوانسته‌اند بدرستی لهجه شان را ادا کنند و این تلقی غیر منصفانه ای است. در هرصورت قرار شد از لهجه لواسانی استفاده کنیم. در لهجه لواسانی خیلی از تکیه کلامها سنگین است و نیاز به ترجمان دارد.

بازیگری هستم که در کار بازی‌ام یک سری ویژگی را به نقش اضافه می‌کنم و این ویژگی ها به جنس و شخصیت خودم نزدیک است. به عبارتی تعریفی از وجود من را شامل می‌شود و نکته مهم تاثیر گذاری بازیگر برنقشش است.

بهرام بهرامیان کارگردانی است که به ناتورالیستی بازی کردن بازیگر اعتقاد دارد و حتی از رئالیسم عبور کرد و واقعیت محض را مد نظر دارد و دوست داشت در نوع بازی‌ام در نقش نعمت ساده لوحی، صمیمیت دیده شود. البته ساده لوحی نه به معنای بدش، بلکه صداقت و صمیمیتی که در کلانشهر ها متأسفانه بد تعبیر می‌شود.

1

*** نقش مشاور لهجه در سریال چگونه بود؟**

- ایشان مشاور لهجه لواسانی بودند. تمام تلاش ما بازیگران این شد که لواسانی حرف بزنیم. حتی در حین ضبط قسمتهای اول سریال این حساسیتها روی کار سایه انداخته بود. از سویی به ما می گفتند لهجه را کم کنید. از سوی دیگر کارگردان می گفت که همچنان از لهجه استفاده کنید. در هرصورت در میان این دوخواسته گیر کرده بودیم. اگر اشکالی در لهجه در چند قسمت اول سریال دیده می‌شود، به همین خاطر است و ارتباطی به کم بضاعتی بازیگران ندارد. کم کم به این نتیجه رسیدیم که لهجه مورد استفاده قرار بگیرد و این رویه از قسمت چهارم به بعد قابل بازخوانی است. هر روز آقای پلویی مشاور لهجه از لواسان می‌آمد و با ما کار می کرد.

*** نعمت یک آدم عادی به نظر می‌رسد. آیا ایفای نقش آدمهای عادی که ویژگی‌های برجسته ای ندارند، از سایر نقشها دشوار تر نیست؟**

- شخصیتها در فیلمنامه و درام و اثر، ویژگی همراه خودشان دارند و این ویژگی می تواند سبب بارز و برجسته شدنشان بشود. وقتی که قرار است یک زندگی عادی روایت بشود و کار موقعیت محور باشد و موقعیتها برجسته شود. بازی کردن در نقش در چنین شرایطی کار دشواری است و من بازیگر باید آدم عادی را بازی کنم که به خودم هم نزدیک نیست و از من دور هم هست. این نوع بازی را تئاتر به من آموخته است و همه بضاعتهای کاری‌ام حاصل بازی در صحنه است.

*** به نظر می‌رسد با توجه به رفت و آمدی که نعمت بین محیط شهر و روستا دارد، در او یک دوگانگی به وجود آمده است؟**

- بله، دچار این دوگانگی است و از سویی موظف و متعهد به این قضیه است که باید هم رأی همسرش باشد. زنی که نسبت خویشی با او دارد و دختر عمویش است و از سوی دیگر نعمت ۱۰ سالی است که در شهر زندگی می کند و سرایدار است. بنابراین تضاد وجود دارد و تا آخر هم همراهش است.

*** معمولاً برای ایفای نقشهای روستایی اغلب بازیگران به سراغ بازی تیپکال می‌روند شما چه رویه ای را در پیش گرفتید؟**

- در هر صورت رنگارنگی آدمها در موقعیتهای متفاوت از یکدیگر متمایز است. ممکن است یک آدم عادی که در محل زندگیش عادی به نظر می‌رسد. موقعی که در موقعیت زندگی در خانواده دیگری قرار می گیرد، ممکن است تیپ دیده شود. نعمت آدمی است که صداقت و بی آلایشی روستایی دارد. ویژگی که در کلانشهرها گمشده است و آدمها رنگین کمانی از رفتارهای غیر صمیمانه و سیاستمدارانه و توأم با حفظ منافع دارند. سادگی آدم روستایی موقعی که وارد کلانشهر می‌شود، به نظر تیپیکال دیده می‌شود. در صورتی که اگر در موقعیت خودش قرار بگیرد، بسیار شخصیت دوست داشتنی به نظر می‌رسد.

*** آیا ازدواج نعمت با زنش از روی رضایتمندی بود و یا جبری در آن وجود داشته؛ زیرا در بخشهایی از کار نعمت بشدت از رفتارهای زنش دل آزرده است؟**

- نه، از زنش کلافه و دل آزرده نیست. قضیه این بود که نعمت و زنش پس از عروسی در روستا قرار می‌شود بروند تهران و سر خانه و زندگی‌شان و قرار نبود برادر زنش هم همراه آنها باشد و نمی‌تواند با زنش تنها باشد. بیشتر دلخوری نعمت بابت این قضیه است.

*** تئاتر اوضاع نابسامانی دارد و اغلب دلیلش را بی پولی می‌دانند، دلیل این بی پولی در تئاتر چیست؟**

- توضیح علل بی پولی در وظیفه و اختیارات من نیست. من کارم نوشتن، بازی و کارگردانی است و باید به این مسایل توجه داشته باشم. وظیفه مسؤولان است که باید در این باره توضیح بدهند.

*** آیا این مشکلات به کیفیت تئاترهای اجرا شده آسیبی نمی‌زند؟**

- همه چیز به همه چیز مربوط است. موقعی که بودجه برای عده ای وجود دارد که بی مایه و کار نابلد هستند و نمایشهای بی کیفیتی را روی صحنه می‌برند وعرصه برای کسانی که سالهاست در تئاتر کار کرده اند، تنگ شده است و نمی‌توانند بنا به هزار دلیل ناگفته در تئاتر فعالیت کنند.

*** حضور گسترده بازیگران شاخص تئاتری مثل شما، سیامک صفری، پیام دهکردی، محمد حسن معجونی، رویا میر علمی، افشین هاشمی، هدایت هاشمی و... در عرصه بازیگری سینما و تئاتر فقط به دلیل مسایل مالی است و آیا سبب نمی‌شود سطح کیفی بازیگری در تئاتر در خلأ این بزرگان پایین بیاید؟**

- در همه جای دنیا خیلی از بازیگران بزرگ تئاتری بتدریج جذب تلویزیون و سینما می‌شوند و در کارشان هم موفق می‌شوند؛ زیرا بازیگری را با اسلوب و شیوه صحیح آموخته اند و نیاز سینما به استفاده از بازیگران تئاتری احساس می‌شود. در ایران هم این روند در دهه ۸۰ مدتی به دست فراموشی سپرده شده بود و دوباره در این چند ساله اخیر تئاتر و بازیگران توانایش منبع خوبی برای تغذیه بازیگری سینما و تلویزیون است و تئاتر خودش را به سینما تحمیل کرد. به نامهای نامزدهای بهترین بازیگر در جشنواره فیلم فجر در این سالها دقت کنید. اغلب آنها پیشینه تئاتری دارند. مسأله قابل بحث درباره این پرسش این است که خیلی از بزرگان تئاتری مدام در تئاتر و سینما رفت و آمد دارند، بنابراین مشکلی وجود ندارد و چون تئاتر را خانه اصلی‌شان می‌دانند، هرگز از آن دور نمی‌شوند، اما ممکن است در فواصل زمانی مدتی از آن فاصله بگیرند. در هر حال با این وضعیت باید به بچه‌های تئاتر حق داد که بروند در سینما و تلویزیون بازی کنند. درآمد و دستمزد یک کار سینمایی معادل دستمزد ده‌ها کار تئاتری طی چند سال است و این فاجعه است و فاصله نجومی میان دستمزد در سینما و تلویزیون و دستمزد در تئاتر وجود دارد. بچه‌های تئاتری به این درآمدها احتیاج دارند.

*** در زمان روی صحنه بردن نمایش «دولیتر در دولیتر صلح» با ممیزی‌های زیادی مواجه شدید، این مسأله چه ارزیابی دارید؟**

- بحث ممیزی مطرح نیست، بلکه نگاه سلیقه ای به وجود آمده است. ممیزی باید تعریف و چارچوب مشخصی داشته باشد. ای کاش موارد ممیزی را مکتوب می کردند و به بچه‌های تئاتر می گفتند و مشخص می‌شد خط قرمزها در چه مواردی است. بچه‌های تئاتر پس از این همه فعالیت در تئاتر می‌دانند خط قرمزها و نباید و بایدها کجاست، اما دوستان مسؤول در دوره‌های گذشته در این بخش سلیقه ای، غیر مسؤولانه و ناعادلانه تصمیم می‌گرفتند که در کارشان هیچ قاعده و اسلوبی وجود نداشت و این هنرمندان تئاتر را مردد و سرگردان می‌کرد. برای اغلبشان حفظ میزشان بیشتر مهم بود و حاضر بودند برای حفظ میز و شغلشان بدون هیچ ترحمی نمایشها را قلع و قمع کنند تا خدای ناکرده از سوی مقامهای بالاتر برای دادن مجوز اجرا برای نمایشی مورد بازخواست قرار نگیرند.

*** در این قضیه خصومت شخصی هم وجود دارد؟**

- نه، خصومت شخصی نیست. این آدمها حاضرند برای حفظ موقعیتشان به هنرمندان لطمه بزنند و زحمات یک گروه بیست، سی نفره را با یک نگاه سلیقه ای از بین ببرند. تلاش اینها این بود که در دوران مدیریتشان همه چیز آرام باشد. ای کاش در این ممیزی ها نگاه کارشناسی وجود می‌داشت. مگر یک ممیز نباید کارشناسی ممیزی داشته باشد؟ در جامعه ای زندگی می کنیم که پر از تضادهاست. در چند سالن که نامی از آنها نمی‌برم، نمایشهای سطحی و خزعبلی به نام تئاتر روی صحنه می‌برند و این دوستان اصلاً توجهی به این کارها و میزان ابتذالشان ندارند. کارهایی که خجالت آور است و در آنها مخاطب ایرانی نیست؛ چون این کارها فقط جنبه سرگرمی‌شان مطرح است، بنابراین براحتی از کنارشان عبور می کردند.

2

به نگره مؤلف در بازیگری و نوشتن اعتقاد دارم. کارهنری انجام دادن ردپایی است که از یک هنرمند باقی می‌ماند و رسالت ما از به دنیا آمدن همین است که در جهان هستی نقطه اثری از خودمان بر جای بگذاریم و عبور کنیم. مؤلف بودن یکی از رموز ماندگاری یک هنرمند است.

اگر قرار باشد در بازیگری از آدم دیگری کپی برداری کنم، دیگر به من بازیگر نمی‌گویند. خب همان بازیگر وجود دارد و مشغول ایفای نقش است و احتیاجی به کپی برداری دیگران از نوع و شیوه بازی‌اش ندارد. هرگز در دوران کاری‌ام سراغ چنین رویکردی نرفته‌ام.

3

*** آیا در بحث ممیزی خودی و غیر خودی هم وجود دارد؟**

- نه، این دوستان پای کسی نمی‌ایستادند که بخواهند از آنها حمایت [illegible] بزرگترین آسیبها را به هنر و تئاتر این کشور همین [illegible] فاصله میان هنرمندان و کلیت تئاتر می‌شود.

*** [illegible] که ممیزها با مضمون نمایش «دولیتر در دولیتر صلح» داشتند، چه [illegible]**

[illegible] نداشت. ممیزان پس از دیدن نمایش مسایلی را مکتوب کرده بودند که ممکن [illegible] بشود! یک اثر هنری بدون زمان و مکان دارد با فریاد از کشور ایران، نگرشش [illegible] می کند. ما را مجبور کردند که قصه نمایش را تغییر بدهیم و داستان نمایش را [illegible] به زمان شوالیه ها!

*** [illegible] «ترن» هم شرایط ممیزها پیامدهای زیادی را به بار آورد؟**

[illegible] در شورای انتخاب آثار مرکز هنرهای نمایشی رد شد. تماس گرفتم و از دوست [illegible] این شورا درباره چرایی رد شدن متن پرسیدم. این آقا در حدود ۴۰ دقیقه از نمایش [illegible] گفتم پس چرا نمایش را رد کردید؟ در پاسخ عنوان کرد، ما می‌ترسیم اگر ما متن [illegible] تصویب کنیم، اعضای شورای حمایت مرکز هنرهای نمایشی متن را رد کنند! وقتی [illegible] های عجیبی وجود دارند، تکلیف تئاتر چه می‌شود؟ آیا هنر می‌تواند پیشرفت کند.

*** [illegible] به چه دلیل نوک تیز ممیزی ها بیشتر به سمت آثار اجتماعی و دفاع [illegible] است؟**

- زیرا درخشان ترین دوران تاریخ معاصر ایران در هشت سال دفاع مقدس رقم خورد و در برابر متجاوزانی که بارها در طول تاریخ آسیب و لطمه دیده بودیم. دوباره مورد هجوم قرار گرفتیم و زخم خوردیم، اما مردانه مقاومت کردیم و بخشی هم از خاک میهن از دست نرفت. یک سری آدمهایی را که در این هشت سال با جسارت و شجاعت جنگیدند، دوست دارم و علاقه دارم قصه شان را روی صحنه تئاتر روایت کنم. آدمهایی که از جانشان ایثار و گذشت کردند. واژه هایی که این روزها معنایش رنگ باخته و ناراحتم که این ارزشها در [illegible] می‌کنند که دیگر در اجرا رمقی برایش باقی نمی‌ماند و درباره اجرای نمایش «دولیتر در دولیتر صلح» مدام اشکالهای بی خودی و عجیب و غریب از کار می گرفتند و انرژی کل گروه تحلیل رفت.

*** برای نمایش «ترن» هم پولی دریافت نکرده اید؟**

- برای اجرای «ترن» اصلاً قرار نبود کمکی دریافت کنیم و فقط بحث بلیت فروشی از گیشه مطرح بود و باید درآمد گیشه در این شیوه به گروه پرداخت شود، اما پول گیشه اغلب نمایشهایی را که قرار است از گیشه درآمد داشته باشند، به حساب انجمن ریختند!

*** در بحث نمایش «ترن» به رغم این نامهربانی‌ها در جشنواره تئاتر فجر، جوایز زیادی به نمایش داده شد. این قضیه را چگونه ارزیابی می کنید؟**

علاقه ای ندارم زیاد وارد بحث داوری جشنواره و اینکه نمایش «ترن» چقدر استحقاق بردن جوایز بیشتری را داشت بشوم و ترجیح می‌دهم بیشتر درمورد مسایل مهمتری فکر کنم.

اگر حمید رضا آذررنگ سراغ کارهای هنری نمی‌رفت، آیا در زندگی شخصی همین رویه کنونی را ادامه می‌داد؟

- پاسخ این پرسش هم سخت است و هر آدمی یک سری خصلت هایی دارد که ربطی به هنرمند و یا هنرمند نبودنش ندارد و بی‌تردید همین آدم دیوانه حالا بودم! (با خنده). البته مقصودم از دیوانگی خاص بودن است.

*** خاص بودنی که برای خلاقیت کارهای هنری مورد نیاز است؟**

- تا حدی با این تعبیر موافق هستم. خاص بودن و شیدایی که سبب خلاقیت و بهتر شدن کیفیت کار هنرمند می‌شود. البته لفظ جنون هم دراین مورد به کاربرده می‌شود که درجامعه ما بازتاب خوبی ندارد. جنون از مجنونیت و واله بودن می‌آید. این نوع شیدایی چیز بی نظیری است.

*** این احساس خاص بودن موجب نمی‌شود از جامعه اش فاصله بگیرد؟**

نه، ربطی به هم ندارد. تفاوتهای فردی آدمها سبب می‌شود شیوه رفتاری خاص خودش را داشته باشد و طبیعی است هر آدمی با عده ای از آدمها ارتباط دارد وعده دیگر به دلیل ویژگی‌های شخصیتش با او ارتباطی ندارند.

*** برخی بازیگران ظرفیت پذیرش شهرت بازیگری را ندارند و در رفتارهایشان غرور و نخوت و فاصله گرفتن از مردم دیده می‌شود؟**

- اگر هنر را به عنوان هنربپذیریم و معتقد باشیم هنرمند بودن ظرفیت آدمها را بیشتر می کند و زندگی ساز است، چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد.

*** در بازیگری، فیزیک آماده چقدر به بازیگر کمک می‌کند؟**

- بازیگر باید بدن آماده ای داشته باشد. موقعی که وضعیت بدنی یک بازیگر آماده و روی فرم است، می‌تواند هرنوع نقشی را بازی کند واگرازعهده این نقش ها بربیاید پیشنهادهای متنوعی دریافت می‌کند.

*** بازیگران و هنرمندان چقدر باید در فعالیتهای اجتماعی خیرخواهانه ورود داشته باشند؟**

- هنرمند باید متأثر از شرایط جامعه اش باشد ونباید نسبت به موضوعات پیرامونش بی تفاوت باشد. هنرمندان بیشتر در معرض دید و قضاوت قرار دارند و اگر در این حوزه ها ورود داشته باشند، می‌توانند اثر گذاری بیشتری داشته باشند.

*** حمیدرضای آذررنگ این روزها که در تلویزیون و سینما بیشتر دیده می‌شود آیا به لحاظ انجام کارهای دلخواه مانند (خرید کردن، راه رفتن در کوچه وخیابان و یا سوار شدن وسایل نقلیه عمومی) نسبت به سالهای قبل چقدر خودش را محدودتر کرده است؟**

- خودم را در مورد این کارها محدود نکرده ام وانجام این کارها عین زندگی است. البته درجامعه یک سری آداب و رسوم وجود دارد که باید به آنها التزام داشته باشیم. البته موقعی که بازیگر شهرت بیشتری پیدا می کند باید مسؤولانه تر رفتار کند. برای من مهم است که اتوبوس سوار شوم و با مردم ارتباط نزدیکی داشته باشم و این به نفع کار بازیگری‌ام است.

پیشنهاداز شمامصاحبه‌از ما

خوانندگان محترم دیدار می توانند نظرها و پیشنهادهای خود درباره این صفحه را با ما در میان بگذارند، شما می توانید با درج کلمه دیدار در ابتدای پیامک خود، نام فرد مورد نظر را برای انجام مصاحبه به ما اعلام کنید تا همکاران ما مقدمات انجام مصاحبه با شخص مورد نظر را فراهم نمایند. شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۳۷۲۷۳

نام و نام خانوادگی: حمیدرضا آذرنگ
تاریخ تولد: تهران ۱۳۵۱
تخصص: نویسنده، کارگردان و بازیگر
تحصیلات: کارشناسی روانشناسی بالینی از دانشگاه آزاد رودهن

شرح حال: نمایشنامه‌نویس، کارگردان، و بازیگر تئاتر ایرانی است. او تا کنون برنده پنج جایزه از جشنواره تئاتر فجر در زمینه‌های نویسندگی و بازیگری شده است از جمله برای دو لیتر در دو لیتر صلح و خنکای ختم خاطره. او همچنین دریافت کننده و نامزد دریافت جایزه‌های دیگری در سایر جشنواره‌های داخلی و خارجی تئاتری و سینمایی نیز بوده‌است. آذرنگ عضو هیأت مدیره انجمن بازیگران خانه تئاتر است.

آذرنگ دانش آموخته کارشناسی در رشته روانشناسی بالینی از دانشگاه آزاد رودهن در سال ۱۳۷۶ است. او تا کنون برنده پنج جایزه از جشنواره تئاتر فجر در زمینه‌های نویسندگی و بازیگری شده است. دو جایزه تئاتر فجر برای بازیگری را (برای بازی در نمایش‌های خون رقصه ۱۳۹۰ و چهار حکایت از چندین حکایت رحمان ۱۳۸۳)، سه جایزه از تئاتر فجر برای بهترین نویسندگی (برای نگارش نمایشنامه‌های «خنکای ختم خاطره» ۱۳۸۸، «دو لیتر در دو لیتر صلح» ۱۳۹۰ و «خیال روی خطوط موازی» ۱۳۸۵) و لوح تقدیر را برای نگارش نمایشنامه «ترن» در سال ۱۳۹۱ از همین جشنواره، دریافت کرده است. نمایش «روزی روزگاری آبادان» نوشته و کارگردانی او هم در همین جشنواره (سال ۱۳۸۴) مورد تقدیر ویژه قرار گرفت. او در دوره‌های متوالی در جشنواره فجر در رشته‌های مختلف نامزد دریافت جایزه شده است او برای نگارش نمایشنامه «مادر مانده» در جشن اردیبهشت تئاتر ایران (۱۳۸۸) به عنوان نویسنده برتر انتخاب شد و در هفتمین جشن بازیگر تئاتر برای بازی در [illegible]

[illegible]

بازیگری نمایش:
"دریا دل" اولین جشنواره دانشگاه آزاد اسلامی؛ ۱۳۷۲
"طلحک بازی" (حسن سرچاهی)، تئاتر شهر، تالار شماره ۲؛ ۱۳۷۸
[illegible]

"بازی سازان اندرونی" (عباس اقسامی)، تالار سنگلج؛ ۱۳۸۷
"بیداری خانه نسوان" (حسین کیانی)، تئاتر شهر، تالار چهارسو ۱۳۸۷
"عدالتخانه" (نوشته عارفه عنایتی) مجموعه ایرانشهر، تالار شماره ۱؛ ۱۳۸۸
[illegible]

برای "آسمان زرد کم عمق"، بهمن ۱۳۹۱
نامزد دریافت جایزه بهترین کارگردانی در [illegible]
سی امین جشنواره بین المللی تئاتر فجر برای نمایش "دو لیتر در دو لیتر صلح" ۱۳۹۰
لوح تقدیر بهترین کارگردانی از جشنواره دفاع مقدس برای [illegible]
[illegible]